

دوشنبه 15 اپریل 2019

ناتور رحمانی

من زار زار گریستم

من به خاطر خاکم

میہم ، زادگاہم

کہ با ستم بربادش کردند

بہ خاطر داشته های عزیز عمرم

کہ سفاکانہ از من ربودند

بہ یاد کوچہ ی آشنا

دیوار باغ و اکاسی ها

کہ ہمہ را با خون آلودند

زار زار گریستم

می دایم گریہ مرد تلخ و دردناک است

می فہم مگر باز ہم می گیریم

بہ خاطر دوستان ہمدل و ہمصد

کہ در غبار بیداد گم شدند

برای شہر قشنگ آرام



برای شب های پرستاره

و روز های آفتابی

به یاد هوای پاک و عطر باران

برای سرود خوش گنجشک های عاشق

که همه را کشتند

و با شرار باروت سوختند

زار زار گریستم

(ناتور)

